

این کتاب ترجمه‌ای است:

*Seven One - Act Plays*

George Bernard Shaw

Heinemann Educational Books

ش. جورج برنارد، ۱۸۵۶ - ۱۹۵۰  
هفت نمایشنامه تک پرده‌ای / جورج برنارد ش. ترجمه رضا شیرمرز. - تهران:  
نشر لطره، ۱۳۸۵.

۲۴۷ ص. - (سلسله انتشارات نشر لطره ۱۹۹۲. هنر و ادبیات جهان) (۱۴۲)

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.

Seven one - Act Plays, 1968. عنوان اصلی:

۱. نمایشنامه انگلیسی - قرن ۲۰ م. الف. شیرمرز، رضا، ۱۳۵۳ - ، مترجم.

ب. عنوان.

۸۲۲/۹۱۲ PR

م ۸۵ - ۱۳۹۵۶

کتابخانه ملی ایران

شابک: ۲ - ۵۷۹ - ۲۳۱ - ۹۶۴ - ۹۷۸ - ISBN: 978-964-341-579-2

هفت  
نمایشنامهٔ تک پرده‌ای

جورج برنارد شا

ترجمه  
رضا شیرمرز



نشر قطره

هفت نمایشنامه تک‌پرده‌ای

جورج برنارد شا

ترجمه رضا شیرمرز

چاپ اول: ۱۳۸۶

لیتوگرافی: طاووس رایانه

چاپ: سارنگ

تیراژ: ۱۶۵۰ نسخه

بها: ۱۷۰۰ تومان

حق چاپ برای نشر قطره محفوظ است.

آدرس: خیابان فاطمی، خیابان ششم، پلاک ۹ - دورنگار: ۸۸۹۶۸۹۹۶

تلفن: ۸۸۹۵۶۵۳۷ و ۸۸۹۵۲۸۳۵ و ۳-۸۸۹۷۳۳۵۱

صندوق پستی ۳۸۳-۱۳۱۴۵

e-mail: ghatreh\_pub@yahoo.com

Printed in The Islamic Republic of Iran

## فهرست

|     |                                   |
|-----|-----------------------------------|
| ۹   | مقدمه                             |
| ۱۳  | دروغ‌های هنری عاشق                |
| ۴۷  | خدمات شایان‌لُرد آگوستوس          |
| ۸۵  | بارقه‌ی واقعیت                    |
| ۱۱۹ | اشتیاق، گزش و تحجر یا گازوژن مهلک |
| ۱۴۳ | بانوی سیاه غزل‌ها                 |
| ۱۷۳ | آناجانسکا، شهبانوی بلشویک         |
| ۲۰۱ | مراسمِ تطهیرِ بلانکو پوزنت        |

حقیقت این است که نمایشنامه‌های من، همه از جنس  
دیالوگند، درست مثل تابلوهای رافائل که جملگی  
نقاشی‌اند، مجسمه‌های میکلانژ که مرمیند و  
سمفونی‌های بتهوون که بریافته از اصوات.

جرج برنارد شا

در سال مرگش

## مقدمه

من یک نمایشنامه‌نویس حرفه‌ای هستم و از سال ۱۸۹۲ تا به حال قلم گردانده‌ام. راستش را بخواهید، من نمایشنامه‌نویسی عادی نیستم. تخصصم در خلق نمایشنامه‌های ضداخلاقی و برخاسته از ارتداد و بدعتگذاری است. شهرت من به آن سبب عالم‌گیر شده که مردم را به بازگشت به اخلاقیات فرامی‌خوانم. من نمایشنامه می‌نویسم تا انسان‌ها را ماهرانه و هنرمندانه با اخلاق آشتی بدهم، وگرنه چه انگیزه‌ی دیگری می‌تواند مرا به نوشتن ترغیب کند. اگر نمی‌گذاشتند نمایشنامه‌های ضداخلاقی و بدعتگذارانه و الحادی بنویسم، افکارم را با سخنرانی یا از طریق کتاب انعکاس می‌دادم.

### جرج برنارد شا

جرج برنارد شا، پسر تاجر ناموفق و بی‌مسئولیت ذرت، در ۲۶ ژوئای سال ۱۸۵۶ در دوبلین دیده به جهان گشود. مادرش، در کودکی، او و پدرش را ترک کرد و به لندن رفت تا با تعلیم آواز، مخارج خودش و دو دخترش را تأمین کند. جرج و پدرش بالاچاره خانه‌شان را فروختند و تن به اجاره‌نشینی

دادند. جرج پس از ترک تحصیل در پانزده سالگی، در یک دفتر معاملات زمین مشغول به کار شد و موفقیت بزرگی کسب نمود. اما در سال ۱۸۷۶، در سن بیست سالگی نزد مادرش به لندن رفت و تصمیم گرفت از طریق قلم ارتزاق کند.

ده سال گذشت، اما برنارد شانتوانست صاحب کم‌ترین ثروت شود و طی این مدت توسط مادرش حمایت شد. با این‌که در این دوره، رُمان انگلیسی در اوج بود، اما پنج رُمان اولیه‌ی برنارد شانتاشری پیدا نکرد. این رُمان‌ها هنگامی به چاپ رسیدند که جرج برنارد شاخود را به عنوان یک نمایشنامه‌نویس معرفی کرده بود. از آن پس ناشران حاضر بودند هر آن‌چه را برنارد شا می‌نگارد با کمال میل به طبع برسانند.

برنارد شا تمام زمانش را صرف نویسندگی نکرد. به دلیل علاقه‌ای که به مسایل اجتماعی داشت، نقشی مؤثر در جریانات سیاسی یافت و در جنبش فابین که کمر به تحول تدریجی بریتانیا از کاپیتالیسم به سوسیالیسم بسته بود شرکت جست. بعدها مسایل اجتماعی، تم‌های اصلی نمایشنامه‌های برنارد شا قرار گرفتند. پس موفقیت، ناگهان او را مورد هجوم قرار داد. ویلیام آرکر<sup>۱</sup>، کتابی را به او سپرد تا بازخوانی کند. همین بازخوانی باعث شد تا برنارد شا به یکی از پر مشغله‌ترین نویسندگان زمان خویش تبدیل شود و در وادی نقدنویسی گام بردارد. طی مدت کوتاهی، برنارد شا به طرزی موفقیت‌آمیز، در دو روزنامه، راجع به تئاتر و موسیقی نقد نوشت. عشق به نقاشی و موسیقی که از دوران کودکی از مادرش آموخته بود، اینک با اندیشه‌ی نقادی برنارد شا در آمیخت و از دل این آمیزش، نقدهای مؤثری بیرون آمد. برنارد شا به سرعت مشهور شد و نامش بر سر زبان‌ها افتاد. هم‌چنین، مشکلات مالی او به پایان رسید.

در اوایل دهه‌ی ۱۸۹۰، برنارد شا به عنوان منتقد درام در ستردی ریویو<sup>۲</sup>

مشغول به فعالیت شد. در سال ۱۸۸۵، برنارد شایک نمایشنامه نوشت، اما این اثر تا ۱۸۹۲ اجرا نشد و حتا پس از اجرا هم برایش موفقیت مالی به همراه نداشت. این نمایشنامه (خانه‌ی بیوگان) به مصایب شهرهای پر ازدحام و شلوغ نگاهی نو داشت. برنارد شا به نگارش نمایشنامه ادامه داد، اما در ابتدا، آثار او فقط خوانده می‌شدند و از اجرا خبری نبود. علت این گرایش‌ها، مقدماتی بود که برنارد شا در نقد نمایشنامه‌های خودش نوشت و به خودکاوی دراماتیک و هوشمندانه دست زد. او در نمایشنامه‌های پس از خانه‌ی بیوگان، به فاجعه‌ی جنگ (در اسلحه و مرد)، تعصب مذهبی (در مرد شیطان)، حرفه‌ی پزشکی (در معمای غامض دکتر)، مسیحیت مدرن (در آندروکلس و شیر)، عصیت (در بزرگ‌ترین نمایشنامه‌اش، جانِ قدیس) و لهجه و تمایزات طبقاتی (در پیگمالیون) حمله کرد. جرج برنارد شا حدود پنجاه نمایشنامه نوشت که هر یک، به نقد دشواری‌های جامعه از طریق دیالوگ و کنش صحنه‌ای پرداخت. نمایشنامه‌های او در واقع، گونه‌ی تبلیغات محسوب می‌شدند و شاید به همین دلیل، در ابتدا موفق نبودند. با پیدایش مخاطبِ درامِ روشنفکرانه، برنارد شا به شهرت فراوانی دست یافت. در واقع او به خلاقیت تازه‌ای دست نیازید، چرا که رمان‌نویسان، خاصه چارلز دیکنز، سال‌ها به نوآوری در این زمینه همت گماردند. ایبسنِ نروژی هم صحنه را به مثابه‌ی محلی برای حل و فصل مسایل اجتماعی در مشت خود می‌فشرد. اما دستاوردهای برنارد شا در صحنه‌ی تئاتر انگلستان نوآوری محض بود.

برنارد شا در سال ۱۹۵۰ در سن ۹۴ سالگی دارفانی را وداع گفت. او طی پنجاه سال بیش از پنجاه نمایشنامه نوشت و جزء یکی از پرکارترین درام‌نویسان تاریخ محسوب می‌گردد. گرچه بسیاری معتقدند که خلاقیت برنارد شا با نگارش «گاری سب» در سال ۱۹۲۹ یا حتا «جانِ قدیس» در سال ۱۹۲۳ به کشید.



علی‌رغم استواری اعتبار برنارد شا برپایه‌ی نمایشنامه‌های بلندش، نمایشنامه‌های کوتاهش هم استحقاقِ توجهی بیش از پیش را دارا هستند. برنارد شا تقریباً بیست نمایشنامه‌ی کوتاه نوشت (از سال ۱۹۰۴ تا سال ۱۹۱۷).

جفری تیلت